

#### آمیولانس

#### جند در صداما ایرانی‌ها



پوریا عالمی

● طبق تحقیقی که ما کردیم، در حال حاضر از هر هزار ایرانی ۹۳ نفر تحلیلگر مسایل هستند. آن هفت‌نفر هم به اینترنت دسترسی ندارند. - همچنین از هر صد ایرانی، ۱۳۲ نفر شاعر هستند که سالانه از این ۱۳۲ نفر، ۲۴۰ مجموعه شعر منتشر می‌شود.

- تحقیقات ما نشان می‌دهد ۹۹ درصد جمعیت ایران تلویزیون می‌بینند. منتهای ۹۹ درصد این ۹۹ درصد پشت تلویزیونشان به‌جای سیم آنتن، سیم‌های دیگر وصل کرده‌اند.

- بنا بر این تحقیقات از هر صدنفری که در یک روزنامه کار می‌کنند، ۹۹ نفر ادعای سردبیری دارند. آن یک نفر هم خود سردبیر است که شکسته‌نفسی می‌کند و ادعای سردبیری نمی‌کند. - آمار می‌گوید بیش از سه، چهار میلیون نفر بیکار هستند. اما سه، چهارنفر هستند که این سه، چهارمیلیون نفر را می‌گذارند سر کار.

- در حال حاضر ایران ۹۰ میلیون طنزنویس، روزنامه‌نگار، نظریه‌پرداز، شاعر و سیاستمدار دارد که این خیلی عجیب است. چون ایران ۹۰ میلیون نفر جمعیت ندارد.

#### رویداد

#### مسجد جامعی، رئیس هیات امنای سعدآباد شد

● رییس و دبیر هیات امنای مجموعه فرهنگی- تاریخی سعدآباد در نشست با حضور مسعود سلطانی‌فر معاون رییس‌جمهور و رییس سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری منصوب شدند.

به گزارش میراث آریا، نخستین جلسه هیات امنای مجموعه فرهنگی- تاریخی سعدآباد با حضور مسعود سلطانی‌فر، معاون رییس‌جمهورو رییس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در موزه ظروف کاخ سعدآباد برگزار شد. مسعود سلطانی‌فر در ابتدای این نشست که به منظور انتخاب رییس و دبیر هیات‌امنا برگزار شد، اظهار امیدواری کرد با تشکیل هیات‌امنا برای مجموعه سعدآباد وضعیت آن بهبود یافته و گام‌های موثری در زمینه مدیریت برنامه‌ریزی و نظارت برداشته شود.

وی گفت: در مجموعه فرهنگی- تاریخی سعدآباد تعداد زیادی موزه هست و طی این مدت برخی از آنها ساماندهی شده‌اند اما هنوز کار زیادی وجود دارد که امیدوارم با تشکیل هیات‌امنا، ساماندهی بقیه مجموعه سرعت بگیرد. معاون رییس‌جمهور در پاسخ به سوال خبرنگار میراث آریا درخصوص شکل‌گیری هیات‌امنا برای برخی از بناهای تاریخی گفت: تاکنون برای هفت‌بنای تاریخی که ثبت جهانی شده و همچنین مجموعه فرهنگی- تاریخی سعدآباد، هیات‌امنا تعیین شده است زیرا هر کدام از این بناها، سایت‌ها و کاخ موزه‌ها به امکانات و توان بالای مدیریتی نیاز دارند. وی با اشاره به اینکه اداره کردن هر یک‌از این بناها و مجموعه‌ها با مشکلاتی همراه است، خاطر نشان کرد: تصمیم گرفتیم به‌جای یک‌نفر، جمعی از فرهیختگان، فرهنگیان، اندیشمندان و کسانی که صاحب‌نظر هستند به‌عنوان هیات‌امنا، این مراکز را مدیریت کنند.

#### اتفاق

#### برگزاری مراسم اعطای جایزه دکتر مجتبیایی



● مراسم چهارمین دوره اعطای جایزه دکتر فتح‌الله مجتبیایی، ویژه پایان‌نامه‌های برتر دوره دکترای در رشته‌های زبان و ادبیات فارسی و ادیان و عرفان که در سال ۱۳۹۲ دفاع کرده‌اند، امروز سه‌شنبه ۱۳دی ساعت ۱۶:۳۰ با حضور اصحاب فرهنگ و اندیشه در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار می‌شود. در این مراسم ضمن معرفی برگزیدگان درباره وضعیت پژوهش‌ها و ارسال‌های دکترای در این دو رشته و ویژگی‌های رساله‌های برگزیده بحث می‌شود. دکترضیاء موجد، دکترحسین معصومی‌همدانی، دکترشهرام یازوکی درباره رساله‌های برتر سخن می‌گویند و مساله قابلیت و کاربرد نظریات ادبی و فلسفی جدید را در پژوهش‌های ادبیات کلاسیک فارسی و ادیان و عرفان تحلیل و بررسی می‌کنند. علی‌اصغر محمدخانی، دبیر جایزه دکتر مجتبیایی، گزارشی از رساله‌های دکترای در سال۱۳۹۲ را ارائه می‌کند. این مراسم در مرکز فرهنگی شهر کتاب، واقع در خیابان شهیدبهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم برگزار می‌شود.

# شترق

## روزنامه

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۲۳ دی ۱۳۹۳ • ۲۱ ربیع‌الاول ۱۴۳۶ • ۱۳ ژانویه ۲۰۱۵ • سال دوازدهم • شماره ۲۲۱۰ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۳ • اذان مغرب ۱۷:۳۲ • اذان صبح فردا ۵:۴۵ • طلوع آفتاب ۷:۱۴

### روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

#### کارتون خواب



پیام برومند  
payam.borumand@gmail.com



#### خبر آخر

## خداحافظی با سردبیر و دبیر تحریریه «شرق»

شرق: مراسم خداحافظی با سردبیر پیشین روزنامه «شرق» و سلام دوباره به سردبیر تازه آن، عصر دیروز در دفتر روزنامه برگزار شد؛ «داوود محمدی» برای خبرنگاران، دست‌اندرکاران و خوانندگانی که در این چهارسال از نزدیک «شرق» را می‌شناسند، نامی آشناست؛ آشنا به صفت آرامش و رعایت اخلاق در دنیای رسانه‌ها و این را به‌سادگی می‌شود از متن استعفا‌ی او دریافت. روز دوشنبه در مراسمی ساده اما صمیمی در تحریریه روزنامه و با حضور مدیران «شرق»، داوود محمدی و کاظم رهبر تا سلامی دوباره با شرقی‌ها بدرود گفتند.

در این دورهمی صمیمی، مدیرمسئول با لحنی دوستانه از خاطرات ۱۲سال حضورش در روزنامه «شرق» گفت و از سردبیرانی که همگی در این سال‌ها فعالیت کرده‌اند تا این لوگو در فضای مطبوعات نفس بکشد و صبح‌ها بر ده‌کاهی لاغر و فربه دیروز و امروز دیده شود: «به گمانم در دنیای رسانه‌ای امروز، داوود محمدی یکی از بااخلاق‌ترین‌های مطبوعات است و خوشحالم که در این چهارسال با ایشان همکاری داشته‌ام و فکر نمی‌کنم این خداحافظی همیشگی باشد چرا که مطبوعات فضای کوچکی است و به‌زودی هرکدام از ما ممکن است دوباره همکار همدیگر شویم.» مهدی رحمانیان، از تلاش محمدی و کاظم رهبر برای حفظ آرامش «شرق» در دو مقطع حساس تشکر کرد؛ مقاطعی که ممکن بود این بنگاه خبری به دلیل بروز برخی مشکلات با چالش‌های بی‌شماری مواجه شود.

داوود محمدی هم به رسم معمول از حضور تک‌تک همکارانش در این مراسم تشکر کرد؛



هلیا آبادی: اتفاقی که چندروز گذشته در پاریس رخ داد، آنقدر وحشتناک بود که بسیاری را وارد چالش و بازنگری در عرصه سیاست و روابط بین‌الملل کرد. این واقعه برای شهر زیبای اروپا که آزادی، برابری و برادری را جزو شعارهای خود می‌داند و هزاران نفر از گوشه‌وکنار دنیا هرروز برای دیدن آن سفر می‌کنند، رخدادی غریب بود. این‌روزا برخی می‌گویند همان کسانی که خود حامی ترور بودند، قربانی ترور شدند و عده‌ای دیگر می‌گویند مرگ جزای توهین آنها بود. در این تفسیرهای سیاسی اما سخنان صمیمی و مردمی بیش از هر زمان دیگری روی مهربانی و دلجویی خود را نشان داد و راه دوستی را باز کرد. هشتک‌هایی که با نام شارلی ابدو تشکیل شد و بعدتر هم هشتک «احمد» که برخی آن را اینگونه تغییر دادند: «من احمدم، پلیس مسلمانی که در درگیری کشته شد. شارلی مقدسات مسلمانان را مسخره کرد و من جانم را در عملیاتی از دست دادم که برای دفاع از حق آزادی بیان او بود.» برخی از نظرات غیررسمی بیشتر مورد توجه قرار گرفت. مثلا مارک زاکبرگ که هم درباره تهدید جان خودش نوشته بود و هم اینکه با این اتفاقات همدردی کرد یا جی.کی.رولینگ که طرفداری‌اش از مسلمانان را با توجه به سخنان مرداک بیان کرد و چنین نوشت: «تعداد مسلمانانی که توسط این تروریست‌های به‌اصطلاح اسلامگرا کشته شده‌اند، هشت‌برابر غیرمسلمان‌هاست. من شجاعت و

دیدن فیلم «کهریزک چهارنگاه» یکی از اتفاق‌های خوب این‌روزهاست که ممکن شده است. چهار کارگردان شناخته شده در عرصه مستند هرکدام از منظری متفاوت به این مکان پرداخته‌اند؛ مکانی که نامش در روزگاری برای ما خاطراتی متفاوت را زنده می‌کرد. رخشان بنی‌اعتماد در یک دغدغه زنانه با پیری روبه‌رو شده و سه‌نفر دیگر هرکدام از منظر موسیقی، تئاتر و تنهایی به آن پرداخته‌اند. به سراغ دکتر حسن احمدی، مدیرعاملی که پنج‌سال است در موسسه کهریزک خدمت می‌کند، رفته‌ایم و درباره این مکان و این فیلم پرسیده‌ایم. تمام عواید فروش این فیلم به کهریزک به‌عنوان تهیه‌کننده تعلق می‌گیرد.

۴ این‌روزها فیلم «کهریزک چهارنگاه» بربرده سینماست، شما به‌عنوان مدیرعامل درجریان چگونگی ساخت آن هستید؟

فیلم مستند «کهریزک چهارنگاه» ساخته مشترک رخشان بنی‌اعتماد، محسن امیریوسفی، بهمن کیارستمی و پیروز کلانتری است که سعی دارد دغدغه‌های مددجویان این مرکز و نحوه زندگی آنان و همچنین حضور خیرین در کنار سالمندان و معلولان را به تصویر بکشد. قبل از ساخت این مجموعه نیاز به ساخت مستندی درخصوص مددجویان کهریزک حس می‌شد. بنابراین مسوولان آسایشگاه خبریه کهریزک با صحبت‌های اولیه که با هومن مرتضوی داشتند، طرح این مستند نهایی شد.

۴ می‌خواستید چه تصویری در یادها بماند؟

واقعیت کهریزک و اینکه اینجا مکانی است برای

زندگی کردن نه زنده‌ماندن.

۴ چگونه محیط برای حضور کارگردان‌ها فراهم شد؟ برخورد ساکنان کهریزک چگونه بود؟

ساکنان کهریزک با این برنامه‌ها بیگانه نیستند. آسایشگاه خبریه کهریزک تمام تلاش خود را کرد تا در حد بضاعت، تمامی شرایط و امکانات لازم را برای این افراد مهیا کند. قبل از ساخت این مستند

سعید برآبادی: «عصر که منزل اومد خونه، گفت بچه کجاست؟ گفتم نمی‌دونم، من خواب بودم رفته بیرون. زد به سرش و پرید تو کوچه به داد و قال. اما بچه نبود که نبود،»وسط نشنگی تلخ «متادون» یادش نمی‌آید که دختربچه را عصر همان روز، یک ساعت قبل از آمدن همسرش، برده و جایی آن طرف خط فروخته است. وقتی که یادش می‌آید، شقیقه‌هایش عرق می‌کند و سرش را می‌اندازد پایین- صدای پنگه دوباره اوج می‌گیرد در اتاق. مشاور حرف نگفته او را ادامه می‌دهد: «ایشون بعد از آن ماجرا متواری می‌شوند اما قبل از اینکه پلیس بازداشت‌شان کند، بچه را پیدا می‌کنند و با معرفی به نیروی انتظامی، بچه به خانواده‌اش برمی‌گردد و ایشون هم می‌روند آن طرف اتوبان آزادگان پشت تپه‌ها در چادر زندگی می‌کنند.» پشت دست‌هایش کبره بسته، صورتش پر است از جوش‌ها و آبله‌هایی که رد جوشکاری هستند: «بهترین جوشکار «کاربیت» بودم، شباً تو گاراژ، به ماشین روتا صبح اتاق می‌داشتم وسط کار هم به نخود دود می‌کردیم، اما کم‌کم تریاک نایاب شد. گفتم چی‌کار

#### گزارش فردا

## تلخ و شیرین کشتار پاریس، زمانی برای دوستی



رفتارهای مهربانانه کارمند مسلمان آن سوپرمارکت را که هدف دومین گروگانگیری در پاریس بود، می‌ستایم. او فردی بود که مشتریان یهودی را از چشم افراد مسلح پنهان و آنها را به اتاق تهویه در زیرزمین راهنمایی کرد.» همین‌طور برخی ابتکارات شخصی همچون مراسم گلدن‌کلوب روز یکشنبه که بازیگران و میهمانان با برکه‌هایی این اتفاق را محکوم کردند یا بر لباس‌ها و کیف‌هایشان علامت‌هایی در محکومیت آن قرار داده بودند. برخلاف آن، تصویر برج ایفل بدون بازدیدکننده که در محاصره پلیس‌ها بود، تصویر هماهنگی و همراهی مردمی که ساعت‌ها در خیابان‌های پاریس تظاهرات می‌کردند، قابل‌توجه بود. آنها ساعت‌ها در آرامش و سکوت که البته هرازگاهی با شعارهایی برای گشودن راه و بیرون‌بردن افرادی که حالشان بد شده بود، تظاهرات کردند. همراه‌داشتن خودکار و چاقو در کنارهم، عکس چشم‌های سردبیر شارلی ابدو که بزرگ شده بود، مدادهای بزرگی که بر آنها



کارکردان‌ها به آسایشگاه کهریزک آمدند و چندروزی را در این مکان میان مددجویان زندگی کردند. در این مدت آنها ضمن جمع‌آوری اطلاعات لازم، با ساکنان این مجموعه آشنا شدند. مددجویان نیز زمانی که با کارگردان‌ها روبه‌رو شدند، خوشحال بودند. حضور این کارگردان‌ها کاملا بی‌واسطه بود و مددجویان کهریزک توانستند ارتباط خوبی با آنان برقرار کنند. ۴ تاکنون برنامه‌های دیگری برای کهریزک انجام شده؟ مثلا اجرای کنسرت یا تئاتر؟

بله، آسایشگاه خبریه کهریزک دارای گروه تئاتر و موسیقی معلولان است. گروه تئاتر معلولان از سال۱۳۷۶ توسط آقای منیرضی (کارگردان) شکل گرفت. حضور در تئاتر برای بسیاری از مددجویان وسیله‌ای بود تا صدای خفته درون را به بیرون ریخته و خود را برای زندگی تازه آماده کنند. این گروه امروز توسط یکی از مددجویان نابینا که معلول جسمی و حرکتی نیز است (رضا بختیاری) اداره می‌شود.

گروه موسیقی در سال۱۳۷۵ توسط مهندس

مهران مدنی که خود مسوول فضای سبز آسایشگاه

بود با آموزش سه‌تار به یکی از مددجویان آغاز به

کار کرد. همچنین مستند ۱۳قسمتی توسط مجتبی

حسینی در حال ساخت است که قرار است در

اسفندماه سال‌جاری از شبکه‌چهار پخش شود.

۴ از نظر شما جذاب‌ترین شخصیت‌هایی که

#### پرسه

## وقتی که کشیدن، کشتن می‌آفریند

می‌افتد، دوست جوانک، با تایلمر می‌زند توی سر رییس و رییس در جا می‌میرد: «خبرش همه جا پخش شد. طرف رو زندان انداختن عید امسال. منم بازداشت بودم، اومدم بیرون معرقیم کردن اینجا. اول کلک می‌زدم هم شربت می‌خوردم هم بیرون می‌کشیدم تا اینکه به شب زیر به ماشین خوابم برد. سرایدار اومده بود ماشین رو جابه‌جا کنه، دستم به... رفت. قطعش کردن. بچاره شدم... بدبخت شدم. دیدم دیگه راهی نیست...».

مشاوران مرکزهای «متادون»، دلشان اندازه یک دنیا جا برای شنیدن داره. هر بار که شیشه‌ای می‌دهند دست مشتری، باید شنونده هزار خاطره باشند؛ خاطره رزی که شوهرش را به‌خاطر شیشه کشته، خاطره مدنی که انبار پنبه کرج را آتش زده، داستان پسر بچه‌ای که مادربرزگنش را به خاطر ارث زخمی کرده و... بعد که اتاق خالی می‌شود، مشاور بلند می‌شود و ضبط را روشن می‌کند تا حین فهرست‌کردن متادون‌هایی که ارائه کرده، صدای شجریان تنها صدای اتاق باشد: «نه زمان را درد کسی/ نه کسی را درد زمان ...».

بسیرون نمی‌آید، طرف بیدار می‌شود و بزین بزین راه